روز نیروی دریایی (جملات ادبی)

نویسنده:محمد کامرانی اقدام

سلام برشما که قلب‌هایتان دریای شجاعت‌ومردانگی و جان‌هایتان، کمینگاه شکار شرک است و شرارت.

سلام بر شما! که همسفران آفتابید و همراهان ماهتاب! شب‌هایتان پر از شکوه است و روزهایتان لبریز از حماسه. چشم‌هایتان دریایی خاموش است و گام‌هایتان توفانی پر خروش.

سلام بر شما! که دریا تبارید و دریانورد. ایستاده‌اید بر افق ماه مالامال از روشنی و چشم دوخته‌اید به فردای پر فروغ.

سلام بر شما! که بُرد نگاهتان، دورترین نقطه پایانِ دریاست و عمق تماشایتان بلندتر از بی‌قراری بیدهای مجنون و سروهای سر به زیر.

سلام بر شما! که کوله‌بارتان جرأت است و جسارت.

ایستاده‌اید تا مین‌های مکر را که چون غبار بر چشم دریا خلیده‌اند، بزدایید و پیش برانید.

ایستاده‌اید تا غیرت، پشتِ واژه ترس پنهان نشود و ایثار در پشت چهره تملّق، رنگ نبازد.

سلام بر شما دریا دلان که در هیچ کجای حادثه، جایتان خالی نیست؛ نه از مین‌های شناور می‌هراسید و نه از آشوب توفان‌هایی که رام نگاه شمایند.

پهنه نگاه نیل‌گون خلیج فارس و گستره نامتناهی خزر، مأنوس با نگاه آبی شما است.

سلام بر شما! شمایی که خوب می‌دانم، هیچ‌گاه چشم‌هایتان شور غزل‌های بارانی را در خویش پنهان نمی‌کند. وقتی که دل به دریا می‌زنید و سوار بر تلاطم آب و خروش موج می‌شوید، وقتی که حتی یک ذره و یک قطره هم از افق دید شما جا نمی‌ماند، چگونه حماسه، مدح شما را نگوید و دلیری، زبان به ستایش شما نگشاید؟!

سلام بر شما که خونِ در جریان خویش را به دست تلاطم می‌سپارید، تا نگاه مسافران امید، سرشار از سوسوی رسیدن و لبریز از زمزمه زلال زندگی گردد. درود بر شما! که گره به گره موج را طی می‌کنید تا گرهِ پنجره‌های امید را باز کنید و روشنایی را تقدیم صبح آفتابی ایران زمین کنید.

درود بر شما! که به ستارگان، مدار محبت را می‌پیمایید و آفتاب و ماه مأنوس عقربه نگاه شمایند، ودریا، این همیشه آبی، خوب می‌داند که تنها نگاهِ شما می‌توان سکونِ ستاره‌های قطبی را ذوب کند.

وقتی دست‌های بدرقه خود را تکان می‌دهید و باد، اشک‌های شما را به دورترین نقاطِ خداحافظی می‌برد، وقتی آن‌قدر خیره می‌شوید که جز سطح آب هیچ چیز جزیره چشمانتان را نمی‌پوشاند، وقتی در لحظه‌های تنگ و تاریک تنهایی، تصویر عزیزان خود را میهمانِ خلوت

خویش می‌کنید؛ تنها واژه همیشه در کنار شما و تنها توجیه تنهایی شما عشق است و عشق. خوشا به حال شما که دریا همیشه عرشه نگاه‌هتان را شست‌وشو می‌دهد.
خوشا به حال شما! که دریادلانِ ساحل گریزید و شیردلان بیشه پهناور عشق و شجاعت و شهامت. خوشا به حال شما! که در چشم‌های فیروزگونتان محبت و ارادت موج می‌زند.
و سلام بر شما که معطّل هیچ تردیدی نیستید، می‌روید چونان شمشیری آبدیده و دریا را می‌شکافید و به هیچ نمی‌اندیشید، جز عقیده و ایمان.
سلام بر شما که هر صبح، پیکر مجروح سپیده را تا آسمان بدرقه می‌کنید و زمزمه‌های آسمانی را از لبانتان جاری می‌سازید و زمزمه‌هایی که آغشته به عشق است و پیراسته به محبت. نه پیش‌رویتان جاده‌ای است و نه پشت سرتان، پناهگاهی، آنچه پیش رو دارید دریایی‌است و آنچه پشت سر دارید، زندگی و چشم‌های نگران.
با این همه، احساس خویش را در می‌نوردید و پیش می‌روید؛ نه سرمای زمستان سدّ راهتان می‌شود و نه گرمای تابستان. می‌روید به تکرار توفان، تا دریا بداند که از تبار تندرید و از نژاد گردباد.

موج‌سواران

سیدعلی پورطباطبایی

آبی، رنگ آرامش است؛ رنگ آسمان و رنگ دریا.
کنار ساحل که بایستی و به افق‌های دور دریا که نگاه کنی، میان آسمان و دریا فرقی نمی‌بینی.
آبی آسمان، داخل دریا می‌شود و با آب‌های آبی‌تر دریا یکی می‌شود؛ آرام و بی‌دغدغه.
کنار خلیج فارس ایستاده‌ام و همراه بچه‌های آبادان و خرمشهر ـ که هرروزشان با دریا شروع می‌شود ـ قامت استوار مردانی را می‌نگرم که آرامش همیشگی دریا و آسمان، مدیون حضور قدرت‌مندانه ایشان است؛ مردانی که حتی امواج سرکش دریا، از شهامت آنان، آن‌گاه که سینه امواج را می‌شکافند و برای مقابله با دشمن به پیش می‌تازند، افسانه‌ها ساخته‌اند.
از این سوی «تنگه هرمز» تا «دریای عمان»، از «جزیره هنگام»، تا «تنب کوچک و تنب بزرگ» و تا هرکجا که آب‌های بی‌کران الهی، مرزهای ایران اسلامی را ساخته‌اند، شیرمردان نیروی دریایی، سوار بر دعای ملت ایران، دیوارهای آهنینی ساخته‌اند که متجاوز، به هیچ روی از آن گذر نخوهد کرد.
اکنون، تا زمانی که آب در دریای عمان و خلیج فارس جریان دارد و خورشید بر اعماق آن می‌تابد، یاد و خاطره حماسه‌های دلیرمردان نیروی دریایی زنده خواهد بود و جهانیان، دلاوری‌های اینان را از یاد نخواهد برد!

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.